

چالش های داخلی و بین المللی اجرای مجازات سب النبی

* ارجمندیان، سیده بهاره

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
[Bahararjmand72@gmail.com](mailto:Behararjmand72@gmail.com)

احمدی، سید مهدی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
Dr.ahmadi4545@gmail.com

چکیده

مجازات سب النبی به تاسی از منابع معتبر فقهی به عنوان یکی از حدود الهی در مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و همچنین ماده ی ۵۱۳ قانون مذکور بخش تعزیرات مورد تقنین قانونگذار قرار گرفته است. اجرای این مجازات در سال های اخیر با گسترش رسانه های اجتماعی و انتقال سریع اخبار با چالش هایی روبرو است، که بررسی ابعاد گوناگون اجرای مجازات اعدام به عنوان مجازات اصلی این جرم را ضرورت می بخشد. چالش هایی در تقابل با اجرای این مجازات مطرح است، از جمله لزوم حفظ آزادی بیان، ترور خواندن اعدام ساب النبی، استناد به ترحم پیامبر گرامی اسلام و اهل البیت صلوات الله علیهم اجمعین نسبت به دشمنانشان و مباحثی از این دست که علاوه بر ایجاد شبهه سعی بر آن دارند که به نا حق دین مبین اسلام را مورد هتک قرار دهند، که البته نه تنها اجرای مجازات ساب النبی در تضاد با آزادی بیان نیست، بلکه در جهت حفظ آزادی عقاید و بیان و از سوی دیگر مانعی برای ترور شخصیتی و هرج و مرج و همچنین عقوبتی هم راستای با ویژگی رحمة للعالمین بودن پیامبر اکرم صلوات الله علیه می باشد. از سوی دیگر واکاوی ماده ی مهم ۲۶۳ قانون مذکور به عنوان مفری برای ساب النبی نیز قابل توجه است. این پژوهش بر اساس منابع معتبر فقهی و حقوقی بصورت توصیفی-تحلیلی با مراجعه به منابع کتابخانه ای نگارش یافته است و وجوب حفظ شأن پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام و همچنین حضرت فاطمه سلام الله علیها، پژوهشی روشنگرایانه و پاسخ هایی شایسته به پرسش ها و چالش ها در حد بضاعت را ضرورت می بخشد. واژگان کلیدی: سب النبی، مجازات، حدود، اعدام، چالش

۱- مقدمه

سب النبی به معنای عام دشنام دهنده به پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه می باشد، که مقنن دامنه آن را به دیگر پیامبران الهی و اهل البیت حضرت رسول علیه السلام نیز تسری داده است و نعوذ بالله قذف ایشان را نیز سب النبی می داند. قانون گذار در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می دارد: «هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و یا هریک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند ساب النبی است و به اعدام محکوم می شود. تبصره- قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است.» از سوی دیگر ماده ی ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات چنین اشعار می دارد: «هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.» نکته قابل توجه اینکه مقنن در ماده ی ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

مجدداً در قسمت ابتدایی ماده در مقام تکرار ماده ی ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی است، لکن در قسمت انتهایی ماده بیان می دارد اگر شخص مشمول حکم ساب النبی نباشد به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. با توجه به چالش های موجود پیرامون تبلیغات منفی علیه دین مبین اسلام، جمع بین مادتين ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی و ايضاً قسمت انتهایی ماده ی ۵۱۳ بخش تعزیرات قانون مذکور به عنوان راه خلاصی متهم تحت شرایط خاص قابل قبول و موجه به نظر می رسد. ماده ی ۲۶۳ چنین اشعار می دارد: «هرگاه متهم به سب، ادعاء نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است ساب النبی محسوب نمی شود. تبصره- هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است.» در این ماده مقنن صرف ادعای ساب النبی مبنی بر غفلت، سهو و مستی و امثالهم را از موجبات رفع حکم اعدام می داند و به نظر می رسد اگر شخص اصرار بر سب نداشته باشد، مفری قابل توجه برای وی برای خلاصی از حکم اعدام وجود دارد. افزون بر موارد پیش گفته شده، نگاه ماهیتی و مفهومی از یک سو و تدبیر و تلاش قاضی در اجرای صحیح این حکم از سوی دیگر می تواند در مقام خنثی سازی تبلیغات منفی و ناصواب گام مهمی تلقی گردد. در این پژوهش سعی بر آن گشته است تا همگی ابعاد این جرم حدی و اجرای مجازات آن و ابعاد مخفی آن که تاکنون کمتر به آن اشاره گشته یا مغفول مانده مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. به عبارت صحیح تر مواردی همچون مباحث شکلی و ماهوی تاکنون در پژوهش های دیگر بصورت تفصیلی و شایسته مورد بررسی قرار گرفته، لکن در این پژوهش سعی شده تا علاوه بر بررسی اجمالی شکلی و ماهوی جرم سب النبی، به مواردی همچون توجه کافی به ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی، استفساریه مجلس شورای اسلامی در خصوص توهین و بصورت اخص به چالش های جاری پاسخ هایی شایسته داده شود.

۲

۲- معانی، مفاهیم و ماهیت سب النبی

بدیهی است پیش از رسیدن به موضع هر پژوهشی باید در وهله اول به معانی و مفاهیم لغوی و اصطلاحی آن موضوع پرداخت. سب النبی به لحاظ لغوی و ماهوی تقریباً با اهانت هم معناست. به عبارتی آنچه که در منابع معتبر فقهی، حقوقی و لغوی آمده تقریباً معانی مترادفی مانند: (دشنام، فحش، ناسزا، توهین، اهانت، سب) و امثالهم را در راستای یکدیگر و عرفاً هم معنا می دانند. علی ایحال بررسی معانی لغوی و اصطلاحی و همچنین بررسی و تبیین ابعاد مختلف ماهیتی جرم سب النبی امری لازم و ضروری به نظر می رسد.

۱-۲- معانی و مفاهیم سب النبی

در خصوص معنای سب باید بیان داشت، در کتب، معانی مترادف مختلفی برای آن مطرح شده است که از نزدیکترین و پر تکرار ترین معانی می توان به معانی ای همچون دشنام، فحش، ناسزا، اهانت و استخفاف اشاره نمود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق؛ جوهری، ۱۴۱۱ق). همچنین نکته ی قابل توجه این که در مواد قانونی مذکور علاوه بر سب، اهانت و دشنام نیز به کار رفته است که همانطور که بیان شد، مترادف با سب و همچنین تعریف معنای سب می باشد. در این خصوص برخی علمای حقوق بیان می دارند واژه های توهین، اهانت، فحاشی، الفاظ رکیک و دشنام همگی از مصادیق توهین و اهانت است و جرم توهین عبارت است از رفتار عمدی خلاف قانون که به موجب عرف نسبت به طرف موهن باشد (آقایی نیا، ۱۳۹۴). دشنام و اهانت نیز به تعبیر اهل لغت به معنای خوار کردن، سبک داشتن، خفیف کردن و سست کردن آمده است (معین، ۱۳۷۱). یکی دیگر از معانی ای که لازم است تبیین شود، معنای لغوی قذف می باشد که در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی آمده است. در این خصوص می توان بیان داشت قذف لغتی عربی و به معنای سنگ انداختن یا به بدی نسبت دادن است (آقایی نیا، ۱۳۹۴). همچنین در خصوص معنای اصطلاحی قذف نیز که العیاذ بالله نسبت به پیامبر گرامی اسلام و دیگر انبیاء عظام و اهل البیت رسول الله صلوات الله علیهم

اجمعین آمده است باید بیان داشت، قذف به عنوان یکی از حدود بصورت مجزا در قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۴۵ آمده است و عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هر چند مرده باشد، که همین معنا را نیز در ماده ۲۶۲ قانون مذکور داراست. در نهایت با جمع موارد پیش گفته شده می‌توان بیان داشت تقریباً اختلافی میان مترادف بودن لغات مذکور وجود ندارد.

۲-۲- ماهیت سب النبی

با توجه به عدم اختلاف پیرامون معانی لغوی و اصطلاحی روشن و واضح سب و اهانت، بررسی ماهیتی توهین با توجه به استفساریه مجلس شورای اسلامی در مقام تحقق رکن مادی جرم سب النبی خالی از لطف نیست، که چنین بیان می‌دارد: «موضوع استفسار: ماده واحده - آیا منظور از عبارت (اهانت، توهین و یا هتک حرمت) مندرج در مقررات جزائی از جمله مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات عبارت است از بکار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ و در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می‌باشد یا خیر؟ نظر مجلس: از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و... عبارت است از بکار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تحقیر و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد. در نهایت قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهارم دی ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.» همانطور که روشن است، در این استفساریه ارتکاب جرم توهین مقید به تحقیر و استخفاف بزه دیده شده است که خود امری قابل توجه می‌باشد و می‌توان با وحدت ملاک از این استفساریه، به این نتیجه رسید که هر امر کوچکی توهین نیست و نباید توهین و به طریق اولی العیاذ بالله سب النبی محسوب گردد. از دیگر موضوعات قابل بررسی، ماده ی ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی می‌باشد، این ماده دامنه ی محدود تری نسبت به ماده ی ۵۱۳ دارد. با این توضیح که در ماده ی ۵۱۳ مقدسات اسلامی نیز آورده شده که به تبع آن آزمون و امکان تشخیص و گوناگون مسلمانان را نیز در بر می‌گیرد. به عنوان مثال نعوذ بالله اهانت به مکه مکرمه یا قبور مطهر ائمه ی معصومین علیهم السلام یا نعوذ بالله اهانت به آیام سوگواری عاشورا و امثالهم می‌تواند موضوع حکم ماده ی ۵۱۳ قرار گیرد. البته برخی حقوقدانان معتقدند تشخیص مقدسات اسلام با نظر فقها و عرف است (گلدوزیان، ۱۳۸۱). دیگر موضوع قابل بیان پیرامون مفهوم سب النبی این است که به اعتقاد قریب به اتفاق حقوقدانان جهل به حکم رافع مسئولیت کیفری نیست (نوربها، ۱۳۹۰)، که امری پذیرفته شده و منطقی به نظر می‌رسد، لکن در خصوص حدود الهی موضوع متفاوت است. ماده ی ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین اشعار می‌دارد: «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسوول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسوولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.» فلذا آگاهی به حرمت شرعی مرتکب نسبت به بیان اهانت بدون علم به آن فاقد وصف جزایی و از عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب می‌گردد. به عبارت صحیح تر مقنن عمل را جرم دانسته لکن نداشتن علم به حکم را از عوامل سقوط حد می‌داند. جالب توجه تر همانطور که پیش از این نیز بیان شد، مقنن در ماده ی ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی فراتر رفته و با صرف ادعای به سبق لسان، مستی، غضب و امثالهم، بدون اقامه بینه یا حتی سوگند به عنوان اضعف الدلائل، این موارد را رافع مسئولیت کیفری در خصوص مجازات اصلی (اعدام) در جرم سب النبی دانسته و در صورت صدق اهانت حکم اعدام را به ۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری تقلیل داده است که خود امری استثنائی می‌باشد و به نظر می‌رسد که برگرفته از قاعده درأ باشد. از دیگر مواردی که برای پرهیز از اطاله ی کلام با توجه به موضوع این پژوهش باید اجمالاً به آن پرداخت، تحقق جرم سب النبی با فعل یا ترک فعل است. بطور عموم هر فعل یا ترک فعلی می‌تواند موجب بروز ارتکاب جرم شود لکن برخی از جرایم از شمول این قاعده مستثنی هستند از جمله جرم سب النبی که صرفاً با فعل



نهمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲ | دانشگاه تهران

قابلیت تحقق دارد. به اعتقاد برخی علمای حقوق هر فعل مثبتی اعم از بیان یا رفتاری که موجب وهن شود می‌تواند سب النبى باشد و همچنین رفتار مرتکب می‌تواند به صورت لفظ، کتابت، تصویر و نمایش باشد و وسیله ارتکاب می‌تواند سینما، کتاب، تئاتر، رایانه و غیر آن‌ها باشد (آقایی نیا، ۱۳۹۴). در مقابل استناد شده که عرفاً فعل و عمل دشنام نیست (فتحی، ۱۳۹۳). که البته نظر اخیر به نظر صحیح نمی‌رسد چراکه می‌توان به عنوان مثال حرکاتی مشخص از دست و بدن را عرفاً توهین تلقی نمود. از سوی دیگر باید امکان و قابلیت وقوع جرم سب النبى با ترک فعل وجود داشته باشد تا بحث ترک فعلی آن به میان بیاید. به بیان صحیح تر برخی علمای حقوق، در بحث از سب النبى با ترک فعل ظاهراً نمی‌توان مجازاتی را قائل شد، مثل این که کسی حتی به قصد توهین، از صلوات فرستادن بر پیامبر(ص) در هنگام شنیدن نام ایشان خودداری نماید، به ویژه آن که احراز سوء نیت در جرایم مشتمل بر ترک فعل بسیار مشکل و تقریباً غیر ممکن است (میر محمد صادقی، ۱۳۹۵). در نهایت به اعتقاد نگارندگان این پژوهش، و نتیجه‌گیری از جمع موارد پیش گفته شده در خصوص معانی و مفاهیم سب النبى می‌توان به طور مشخص به نقطه‌ی مشترکی در خصوص سب و اهانت رسید که همان استخفاف و تحقیر است، که با توجه به مواد فوق الذکر و ایضاً صراحت استفساریه مذکور که به تایید شورای نگهبان نیز رسیده است، سوءنیت اهانت کننده باید احراز شود و اهانت نیز باید خفیف کننده باشد. به عبارت دیگر افزون بر ماده ی ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی، این استفساریه نیز به رکن روانی و حتی داعی شخص متهم توجه ویژه‌ای داشته است، چراکه رکن معنوی که همان قصد می‌باشد امری مهم است و به اعتقاد صحیح برخی فقیهان، کیفر مخصوص اشخاص ملتفت و متوجه است و کسانی که بدون توجه و از روی غفلت عملی را که ممنوع است انجام می‌دهند قابل کیفر نیستند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق). لکن به نظر شاذ برخی علمای حقوق که نظر خویش را مستند به برخی روایات می‌دانند، العیاذ بالله اهانت به پیامبر صلوات الله علیه را حتی بدون سوء نیت نیز مشمول حکم سب النبى می‌دانند. (زراعت، ۱۳۸۱)، به با توجه به موارد پیش گفته شده صحیح و منطقی به نظر نمی‌رسد.

۴

۳- شبهات مطروحه و پاسخ‌ها

گسترش فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، قدرت انتقال و ارسال اخبار در جهان را به گونه‌ی بی نظیری وسعت بخشیده است، به طوری که حتی اخبار کذب یا حداقل آمیخته با خلاف واقع را به راحتی در نظر مردم حقیقی جلوه می‌دهند، در صورتی که واقعیت امر دیگری است. اجرای حدود و احکام الهی نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نیستند، بلکه هدف مستقیم رسانه‌های معاند و بعضاً رسانه‌های بی اطلاع قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر این رسانه‌ها بعضاً با بیان ناقص ماهوی و شکلی اجرای حدود الهی، سعی در گمراهی عامه‌ی مردم، ایجاد شبهه و در نهایت اسلام ستیزی دارند. شبهه از ریشه‌ی (شبهه) به معنای التباس چیزی به چیز دیگر و مثل و مانند گرفتن امری به جای امر دیگر می‌باشد، یعنی دو چیز در اثر مماثلت از همدیگر تشخیص داده نشود (قرشی، ۱۴۱۲ق؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق). بطور مشخص در خصوص موضوع این پژوهش (اجرای مجازات سب النبى) نیز، مطالب خلاف واقع فراوانی وجود دارد. از اهم چالش‌های مطروحه اینکه، اجرای مجازات سب النبى را در تضاد با آزادی بیان جلوه می‌دهند یا آنکه مجازات اعدام سب النبى را ترور محسوب می‌کنند و یا بدتر از همه آنکه با سو استفاده از رحمه للعالمین بودن پیامبر و مهربانی اهل البیت صلوات الله علیهم اجمعین سعی در ایجاد شبهه در اجرای مجازات سب کنندگان دارند. در مقام پاسخ به این شبهات در حد بضاعت سعی بر آن گشته تا پاسخ‌هایی شایسته جهت روشن‌گری فضای غبار آلود فعلی بیان گردد.

۳-۱ آزادی بیان و سب النبى

یکی از چالش‌های مطروحه‌ی جاری، توجیه و تطهیر سب النبى به واسطه‌ی ادعای آزادی بیان است، که ادعایی ناصواب می‌باشد. در پاسخ به این چالش باید بیان داشت، اولاً آیا مرزبندی میان اهانت و آزادی بیان وجود دارد و اگر دارد این مرزبندی



نهمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲ | دانشگاه تهران

کجاست؟ به عبارتی آیا امری با عنوان اهانت در دنیای امروز وجود خارجی دارد و اگر دارد چه امور و اقوالی اهانت محسوب می شود؟ پاسخ روشن است، بدیهی است که اهانت در دنیای امروز هم عرفاً و هم قانوناً مورد نکوهش قرار گرفته تا جایی که حتی اهانت به مقامات سیاسی کشورها جرم انگاری و دارای مجازات مشخص می باشد. حال پرسشی که در مقابل این چالش مطرح می گردد این است که چگونه می شود مسئولین کشورهای اروپایی و آمریکایی برای خود حدودی از احترام را ترسیم، لکن برای ادیان، مقدسات و فرستادگان الهی این حق را قائل نباشند؟ عقلانی و منطقی است که وقتی افراد عادی حرمتی برای خویش قائل هستند، به طریق اولی این حریم باید به اعلی درجه برای مقدسات دینی و اعتقادی ادیان نیز وجود داشته باشد. طبیعی است وقتی می توان از آزادی بیان سخن گفت که همراه با احترام و پرش گری های علمی، منطقی و پژوهشی باشد، نه اینکه به اسم آزادی بیان به اعتقادات بر حق میلیاردها مسلمان و غیر مسلمان اهانت و موجب جریحه دار شدن احساسات آنان شد. بنابراین برخورد شدید اسلام با هر نوع اهانتی به مقدسات اسلام توجیه پذیر است (شامبیاتی، ۱۳۸۵). ثانیاً آیا این به اصطلاح آزادی بیان در کشورهای جهان در دیگر امورات و اقوال نیز ساری و جاری است؟ به عنوان مثال آیا می توان به راحتی در خصوص هولوکاست یا جنایات صورت گرفته در کشورهای حوزه ی خلیج فارس بطور جدی حتی سخن گفت؟ پاسخ با توجه به تجارب قبلی منفی است. به هر تقدیر تعریف آزادی بیان در صحنه ی بین الملل واضح و شفاف نمی باشد، آنچه که تحقیقاً بدست آمده این حق را شامل آزادی داشتن عقیده و باور بدون دخالت و تفتیش عقاید، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار خود از طریق رسانه ها و بدون ملاحظات مرزی می دانند، که همانطور که بیان شد تعریف روشنی از دریافت و انتشار اطلاعات و افکار و چارچوب و مرزبندی آن وجود ندارد و از سوی دیگر مشخص نشده شرط (بدون ملاحظات مرزی) مشمول چیست. از سوی دیگر با توجه به تلازم عقل و شرع می توان بیان داشت، قاعده ی عقلی دفع ضرر محتمل نیز ایجاب می کند تا در مقابل اهانت به مقدسات ادیان مجازاتی در پیش باشد، تا از دور باطل انتقام شخصی پیروان ادیان به واسطه ی جریحه دار شدن احساساتشان جلوگیری نمود، چراکه طبیعتاً باز خورد و واکنش اهانت به مقدسات، خشم و در نهایت تلاش برای انتقام را قوت می بخشد. طبیعتاً این خشم موجب هرج و مرج و بی قانونی جهانی خواهد شد که هیچ منطقی پذیرای آن نخواهد بود. واضح است که هتک حرمت مقدسات نه تنها آزادی بیان عقیده ی صحیح نیست، بلکه علاوه بر گمراه کردن سایرین مساوی با استخفاف و استحقار خود آن انسان است، فلذا مذموم شمردن اهانت به ادیان و در نهایت مجازات افراد می تواند از این امور جلوگیری نماید. شایان ذکر است اهانت به پیامبران الهی به ویژه رسول اکرم صلوات الله علیه، نه صرفاً به معنای اهانت به یک شخصیت و نور پاک، بلکه به منزله ی متزلزل کردن بنیان های جامعه بشری در زمینه اخلاق و دیگر آموزه های ارزشمند انسانی است، که هر عقل آزاد اندیشی افزون بر شرع می تواند معنای این مهم را درک نماید. چگونه عقل آزاد اندیش می تواند بپذیرد پیامبری که خود برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث گشته تا انسان ها را از هرگونه زشتی و پلیدی رهایی دهد، اینگونه العیاذ بالله مورد هتک حرمت قرار گیرد. همچنین به بیان صحیح تر به اعتقاد برخی، اهانت به پیامبر و ائمه ی معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، معنایش آن است که پایه های اعتقادی مسلمانان تحت تاثیر قرار می گیرد و از یک جهت این کار بدتر از کشتن دیگری است، زیرا زوال یک فرد فقط مربوط به سعادت همان فرد است، اما اهانت به پیامبر و ائمه ی معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، آرامش و احساس سعادت کل مسلمانان شیعه را تحت تاثیر قرار می دهد (شیرازی، ۱۴۰۹ق). از دیگر دلایل عقلی در خصوص نکوهش اهانت، قبح ظلم به اشخاص است. بدیهی است وقتی به امور قابل ستایش و قابل احترام نزد یک انسان یا یک قومی اهانت شود و مورد استخفاف قرار گیرد، این در واقع ملازم با استخفاف خود آن انسان است و استخفاف و استحقار انسان هم از مصادیق ظلم و تزییع حقوق افراد است، فلذا کدام عقل منطقی پذیر و آزاد اندیشی می تواند به ظلم و تزییع حقوق افراد به عنوان آزادی بیان بیندیشد. همچنین باید توجه داشت که مجازات این دسته اشخاص منحصر به دین مبین اسلام نبوده است. در نظر گرفتن مجازات سخت برای حرمت شکنان و مرتدان و استهزا کنندگان مقدسات منحصر به دین مبین اسلام نیست، بلکه همه ی ادیان آسمانی و غیر آسمانی در مقابل مخدوش شدن اصول و شکسته شدن حرمت ها موضع داشته اند (مهاجرانی، ۱۳۷۸). از این رو به نظر نگارندگان این

۵

پژوهش، اجرای مجازات سبب النبی با توجه به مطالب پیش گفته شده نه تنها نقطه ی مقابل آزادی بیان نیست، بلکه کمک کننده در جهت حفظ آزادی بیان، استحکام بنیان های اساسی نسل بشر، خانواده، اخلاق، جلوگیری از هرج و مرج، احترام به عقاید میلیاردها انسان و امثالهم امری ضروری می باشد.

۳-۲ ترور و سبب النبی

از دیگر چالش های موجود می توان به ترور شناختن مجازات سبب النبی توسط برخی اشاره کرد که امری خلاف واقع می باشد. در وهله ی اول در مقام تعریف و ترجمه ی لغوی ترور می توان به ترس و وحشت بسیار زیاد اشاره کرد (هوسمی نژاد، ۱۳۸۹). همین معنا را نیز علمای حقوق بیان داشتند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸). همچنین قطعنامه ی شماره ی ۳۰۳۴ سال ۱۹۷۲ سازمان ملل متحد، تروریسم را چنین تعریف کرده است: «تلاش ها با هدف ایجاد تحولات در حکومت، اخلال در ارائه خدمات عمومی مسموم، ساختن روابط بین الملل قتل روسای دولت ها یا نمایندگان حکومت ها تخریب ابنیه تسهیلات و ارتباطات، عمومی ایجاد آلودگی در غذا یا آب و تحریک بیماری های واگیر.» از سوی دیگر قطعنامه ی مورخ ۱۹۸۴ میلادی سازمان ملل نیز تروریسم فعالیت های مجرمانه و خشونت آمیزی دانسته شده که گروه های سازمان یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می دهند. کمیسیون حقوق بین الملل نیز در ماده ی ۲۴ مقررات مربوط به جرایم بین المللی، تروریسم را چنین تعریف کرده است: «روا دانستن اقداماتی که دارای یک ماهیت برای ایجاد وحشت در اذهان عامه و گروه های انسانی است.» (برجی، ۱۳۸۶). گذشته از تعاریف و مفاهیم لغوی و حقوقی ترور، در مقام پاسخ به این شبهه باید بیان داشت، اولاً ترور به منزله ی حذف فیزیکی افراد بدون برگزاری دادگاهی عادلانه می باشد که در خصوص مجازات سبب النبی این امر مصداق ندارد. به عبارتی وقتی حکم بر قتل سبب النبی داده خواهد شد که مطابق قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، یک دادرسی عادلانه همراه وکیل و حق دفاع برای متهم به سبب النبی صورت پذیرفته باشد، که پیش از این در جای خود به مواد آن اشاره گردید. ثانیاً زمانی حکم بر اعدام فرد هتاک داده خواهد شد که خود بر آن اصرار داشته باشد. به عبارت دقیق تر با توجه به ماده ی ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی صرف ادعای سبب النبی مبنی بر بیان از روی سبق لسان، مستی، غفلت، نقل از دیگری و امثالهم از موارد سقوط مجازات اعدام می باشد و طبیعتاً این متهم به سبب النبی است که با پافشاری بر افعال و اقوال خود، مسئول عدم حفظ جان خویش می باشد. از سوی دیگر به اعتقاد صحیح برخی علما در حقیقت سبب النبی خود یک هرج و مرج دینی است و حکم لزوم قتل مرتد و سبب النبی از صدر اسلام تا کنون مطرح بوده است و در هیچ زمانی موجب مشوه کردن چهره ی اسلام نبوده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق). از طرفی در خصوص نتایج و آثار احکام، هیچ گاه در قضاوت نباید یک حکم جزئی را آن هم یک جنبه ظاهری، ملاکی بر حسن و قبح قرار دهیم. باید مجموع نتایج اجرای احکام را نگاه کرد و آن گاه قضاوت نمود. به عبارتی دیگر مبنای اصلی تروریسم ایجاد وحشت و نا امنی در قربانیان است، لکن در کشتن سبب کننده ی پیامبر یقیناً نه هدف اصلی و مستقیم و نه هدف تبعی و غیر مستقیم ایجاد ترس و وحشت نیست و اساساً عنصری که برای ایجاد ترس و وحشت لازم هستند نظیر مخفیانه بودن، سازمان یافته بودن، بی رحمانه بودن و مواردی از این دست در کشتن سبب النبی وجود ندارد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر ترور موجب ایجاد نا امنی در اجتماع و عموم مردم می شود، لکن اعدام سبب النبی آن هم تحت شرایط خاص و با دادرسی عادلانه نه تنها موجب هراس و نا امنی در جامعه نمی شود بلکه به جهت جلوگیری از نا امنی ناشی از هرج و مرجی اجرا می شود که اتفاقاً بر اثر اقوال و افعال سبب النبی در جامعه شکل گرفته است. از دیگر مواردی که در جهت ایجاد ابهام در رسانه های داخلی و خارجی مطرح است اشاره به بند الف ماده ی ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که چنین اشعار می دارد: «در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی شود: الف- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است.» بدیهی است با توجه به بیان ناقص ماده می توان نتیجه گرفت، هرکسی را که حدی بر ذمه داشته باشد از جمله سبب النبی را می توان به قتل رساند. در صورتی که اولاً تبصره ی ۱



نهمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲ | دانشگاه تهران

ماده ی مذکور به صراحت بیان می دارد قتل این افراد بدون اجازه دادگاه جرم و مجازات تعزیری در بر دارد، که البته بر فرض اثبات مهدورالدم بودن مقتول است و ثانیاً اینکه بر فرض قتل شخصی به اعتقاد مهدور الدم بودن وی، باید این امر در دادگاه ثابت شود که بسیار دشوار به نظر می رسد و رویه قضایی نشان داده در معدود رخدادهای این چنینی گذشته، حکم بر قصاص قاتل نیز داده شده است. این ماده برگرفته از فقه پویای شیعه می باشد و به جهت جلوگیری از هرج و مرج شرط سختی در این ماده که اثبات است قرار داده شده است و در این راستا برخی فقها نیز بیان می دارند قتل سب النبی بدون اذن حاکم اگر سبب اختلال نظام و هرج و مرج بین مسلمین شود جایز نمی باشد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق). به هر تقدیر با توجه به موارد مطروحه و قوانین مصرح، ترور خواندن مجازات سب النبی به دور از انصاف و منطقی می باشد.

۳-۳ ترحم پیامبر و اهل البیت علیهم السلام بر دشمنان و سب النبی

مطابق آیه ی ۱۰۷ سوره ی مبارکه ی انبیاء، پیامبر گرامی اسلام رحمه للعالمین است. از سوی دیگر در روایات متواتر و صحیح متعددی این مهربانی و رحمانیت جزو خصوصیات اصلی و لاینفک اهل البیت و معصومین علیهم السلام می باشد. همین امر موجب گشته تا مجازات سب النبی را در تضاد با این خصلت پیامبر صلوات الله علیه و معصومین علیهم السلام جلوه دهند. با این ادعا که چگونه سب کنندگان ایشان را مجازات می کنید در صورتی که خود به اذن الله رحمت مطلق هستند؟ در مقام پاسخ به این چالش باید بیان داشت، گذشته از این که همین اذعان و اعتراف به رحمانیت ایشان خود موجب حقانیت ایشان و اسلام می باشد، باید پرسید پس چگونه همین افراد و رسانه ها با وجود این اعترافات ضمنی، احکام حاصله از سنت پیامبر گرامی اسلام را که یکی از آن ها همین موضوع سب النبی است مورد هجمه قرار می دهند؟ این ادعا که ایشان با سب کنندگان خویش مهربان بودند با توجه به اسناد متعدد روایی صحیح است، لکن باید بیان داشت، عقلانی است رحمت به معنای مهربانی فراوان که ممکن است بنا بر ضرورت، غضب را نیز شامل شود، تعبیر گردد. یعنی اگر غضبی هم باشد، از سر رحمت است، مانند غضب پدر بر فرزند یا معلم بر شاگرد که در جهت تعلیم و تربیت افراد و جامعه می باشد. یا به عبارت بهتر اگر با این استدلال پیش رویم می توان به طریقی اولی بیان کرد چرا خداوند اصلاً جهنم و عقوبتی قرار داده است. از سوی دیگر به بیان صحیح برخی فقها، پیامبر صلوات الله علیه به خاطر اینکه توقع داشت که سب کنندگان اسلام بیاورند و از کفر خود برگردند و توبه کنند، اگر در قتل آن ها عجله می کرد به هدف خود نمی رسید و همچنین با اسلام آوردن فرد نیز گناهان قبلی وی بخشیده می شد و به همین خاطر بعضی از کفار بعد از دیدن رأفت و عفو و احسان مسلمان می شدند و ایشان از مجازات آنان خود داری می کرد (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق). از سوی دیگر در خصوص رحمه للعالمین بودن نیز باید توجه داشت این به معنای رحمت واسعه بر همگی و آحاد مردم است، نه صرفاً یک فرد هتاک که موجب ظلم به میلیاردها انسان با اهانت به مقدساتشان گشته است (فاضل لنگرانی، ۱۴۲۲ق). گذشته از این باید توجه داشت برخی امورات اعم از تقریر یا افعال پیامبر گرامی اسلام و اهل البیت ایشان صلوات الله علیهم اجمعین، جنبه ی تبلیغی در جهت اسلام آوردن کفار آن زمان می باشد. از سوی دیگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر همیشه مهیا نبوده و گاهی خوف ضرر جسمانی وجود داشته که خود منعی برای امر به معروف و نهی از منکر و در نهایت مجازات است. در تأیید این امر برخی فقها معتقدند، توهین و دشنام دهنده به پیامبر و یکی از اهل البیت ایشان کشته می شود و اینکار برای هرکسی که آن را می شنود حلال است، البته همراه با احساس امن برای خود و مالش و دیگر مومنان نه همرا با ضرر (علامه حلی، ۱۴۱۳ق). برخی دیگر نیز بیان می دارند هیچ اختلافی در بین فقها وجود ندارد که قتل سب النبی در صورتی واجب است که جان و آبرو و مال خود و دیگر مومنی در خطر نباشد (حائری، ۱۴۱۸ق). از سوی دیگر اطلاق دلیل نفی ضرر نیز که همان قاعده ی فقهی لاضرر می باشد موید این امر است. همچنین قاعده ی فقهی عقلی اهم و مهم نیز بر این امر استوار است که حفظ جان و آبرو از قتل سب النبی واجب تر و مهم تر است (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق). تقیه نیز یکی دیگر از دلایل فقهی است که می توان از دلایل دیگر مدارای پیامبر گرامی اسلام و اهل البیت ایشان صلوات الله علیهم اجمعین به آن اشاره نمود. تقیه تعبیر شده است به هرچیزی

۷



نهمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲ | دانشگاه تهران

که بنی آدم به آن مضطر شود و اضطراب همانطور که در مورد از دست دادن جان است، در مورد از دست دادن آبرو نیز هست (مومن قمی، ۱۴۲۲ق). بار دیگر ذکر این نکته ضروری است که فردی لایق مجازات اعدام است که عمداً و با علم به حرمت و با اصرار بر فعل یا گفتار خویش با وجود ماده ی ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی بر اهانت خویش استوار است. بدیهی است ماده ی ۲۶۳ برگرفته از شریعت اسلام است و به صرف ادعا حتی بدون شرط (احتمال صدق گفتار) اعدام وی ساقط می شود. حتی این ماده از قاعده ی فقهی درأ نیز سبقت گرفته و نیاز به وجود شبهه برای رد حد نمی باشد. به عبارت صحیح تر قاعده ی فقهی درأ که بیان می دارد: (تدرء الحدود بالشبهات) یعنی حدود الهی با شبهه ساقط می شود، حتی در ماده ی اخیر الذکر نیاز بر وجود شبهه هم نبوده و با صرف ادعایی که معلوم نیست مبتنی بر واقع باشد مجازات اعدام به تعزیر تبدیل می شود. از سوی دیگر می توان بار دیگر به ماده ی ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی که در بخش ماهیت به آن پرداخته شد اشاره نمود، که مرتکب باید علاوه بر وجود قصد و علم و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتکابی نیز آگاه باشد، که باز هم مفری برای متهم به سب النبی است. در نتیجه با مجموع روایات و نظرات فقهی و حقوقی که بیان گشت، به نظر نگارندگان این پژوهش مجازات نیز جزئی از رحمت پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه می باشد و به منظور ایجاد نظم، جلوگیری از هرج و مرج و ارج نهادن به ارزش های انسانی است و بعضاً مجازات نکردن اهانت کنندگان توسط ایشان به دلایلی بود که بیان شد و تضادی میان منتهای مهربانی ایشان و مجازات سب النبی وجود ندارد.

۸

۴- نتیجه گیری

پس از بیان مطالب پیش گفته شده، می توان چنین جمع بندی و نتیجه گیری کرد که اساساً در جرایم موجب حد اصرار بر اثبات جرم و پیگیری صدور حکم و اجرای آن، بخصوص در جرمی مانند سب النبی با توجه به احادیث و روایات، خلاف سیره ی پیامبر عظیم الشان اسلام است و مستحب است در برخی حدود، قاضی به متهم سخنی نسبت دهد تا وی را از مجازات برهاند. همچنین سب النبی و اهانت به پیامبر و اهل البیت ایشان صلوات الله علیهم اجمعین، هر دو دارای یک معنا هستند و بر گفتار و عملی صدق می کنند که سبب نقض آبروی ایشان شود. در این خصوص فرقی لغات نیست و دشنام و فحش و ناسزا و اهانت و قذف و توهین و امثال این ها در نهایت عرفاً یک معنا دارند. باید توجه داشت اجرای حکم سب النبی، مشروط به نبود ضرر جانی و آبرویی برای مومنان و مسلمانان است. اگرچه در منابع روایی و فقهی، برای قتل سب النبی، نیاز به اذن امام نیست، اما امروزه از باب اخلال در نظم اجتماع و هرج و مرج و مصلحت حفظ نظام قضائی، اذن گرفتن شرط می باشد. از سوی دیگر جهل به حکم و قانون در بعضی موارد، مسقط تکلیف نیست، لکن در جرم سب النبی علاوه بر سوء نیت عام، آگاهی به حرام بودن فعل مرتکب و همچنین نیاز به سوء نیت خاص که عناد و دشمنی و تبلیغ منفی باشد، وجود دارد. از سوی دیگر نمی توان به بهانه ی آزادی بیان به اعتقادات برحق میلیاردها انسان اهانت نمود و فرق است میان مباحثه علمی و ابراز عقیده منطقی و اهانت کردن. همچنین ترور خواندن اعدام سب النبی اعتباری ندارد چراکه ذاتاً ترور در تضاد با دادرسی عادلانه و برگزاری محاکمه همراه با حق دفاع است. از سوی دیگر ترحم پیامبر صلوات الله علیه در صدر اسلام جنبه ی تبلیغی داشته و بعضاً نیز به جهات حفظ آبرو و جان بوده و نمی توان به این بهانه از رحمت ایشان سواستفاده نمود. در خصوص قانون نیز که برگرفته از شریعت اسلام می باشد باید بیان داشت توجه به مواد ۲۶۳ و ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی لازم و ضروری است. به ویژه ماده ۲۶۳ قانون مذکور که مفری مهم و قابل اعتنا برای متهم به سب النبی است و این ماده دارای قدرت کافی است که بتواند هرگونه تبلیغ منفی ای علیه دین مبین اسلام را خنثی سازد. در نهایت باید بیان داشت، در مواردی که اعتقادات والایی همچون دفاع از کیان دین، مذهب و حفظ ارزش های دینی موضوع مورد اعمال می باشد، باید توجه داشت که شکل و روش پاسداری از این ارزش های والا که با هیچ چیز قابل قیاس

نیست، به نحوی نباشد که به ضد خود مبدل گردد و لا سمح الله این مبارزات متعصبانه و بدون دانش به کمک اسلام ستیزان نیاید. در این خصوص وظیفه ی خطیری بر عهده ی نهاد قضایی و قضات محترم دادگاه ها نهاده شده است، که ایشان باید سعی بر نمایش جلوه ی مناسبی از فقه پویای شیعی با توجه به منابع معتبر فقهی و حقوقی داشته باشند.

منابع

- آقایی نیا، حسین، ۱۳۹۴ ش، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، چاپ هفتم، تهران، میزان.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر والتوزيع.
- برجی، یعقوبعلی، ۱۳۸۶ ش، ترور و دفاع مشروع، چاپ اول، قم، نشر زمزم هدایت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۱ ق، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت، دار العلم للملایین.
- زراعت، عباس، ۱۳۸۱ ش، بررسی فقهی و حقوقی جرم سب النبی، مطالعات اسلامی، شماره ۵۷.
- شامبیانی، هوشنگ، ۱۳۸۳ ش، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ پنجم، تهران، ژوبین.
- شیرازی، سید محمد حسین، ۱۴۰۹ ق، الفقه، بیروت، دار العلوم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ ق، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، ۱۴۲۲ ق، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الحدود، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- فتحی، حجت الله، ۱۳۹۳، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ ق، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- گلپایگانی، محمدرضا، ۱۴۱۲ ق، الدر المنضود فی أحكام الحدود، چاپ اول، قم، دار القرآن.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۱ ش، حقوق جزای اختصاصی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد، ۱۳۷۱ ش، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، ۱۴۲۷ ق، فقه الحدود و التعزیرات، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید رحمه الله.
- مومن قمی، محمد، ۱۴۲۲ ق، مبانی تحریر الوسیله - کتاب الحدود، چاپ اول، تهران، موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام.
- مهاجرانی، عطاءالله، ۱۳۷۸ ش، نقد توطئه آیات شیطانی، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۵، جرایم علیه اشخاص، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات میزان.
- نوریها، رضا، ۱۳۹۰ ش، زمینه ی حقوق جزای عمومی، چاپ هفدهم، تهران، گنج دانش.
- هوسمی نژاد، محمد تقی، ۱۳۸۹ ش، فرهنگ انگلیسی - فارسی استاندارد، چاپ چهارم، تهران، موسسه نشر جهان دانش.